

## بررسی وجوه اشتراک و افتراق مضامین به کار رفته در نگارگری صفوی و عثمانی

### چکیده

هنر نگارگری یکی از جلوه‌گاه‌های انگاره‌های ملی و مذهبی است. هنرمندان مسلمان در سرزمین‌های مختلف بسیاری از مضامین اخلاقی و مذهبی مشترک را در آثار خود منعکس ساخته‌اند. در این میان، به علت ارتباطات فرهنگی، مذهبی و حتی جنگ‌های صورت گرفته میان ملت‌ها که به تصرف سرزمین‌ها منجر شده است، آثار نگارگری و تصویرپردازی نسخ مصور صفوی و عثمانی در میان سده‌های پانزدهم تا هفدهم/ نهم تا یازدهم تأثیرات بسیاری بر یکدیگر داشته است و مضامین مختلفی به صورت مشترک، از جمله مضامین مذهبی، ادبی، عرفانی و تاریخی در نسخ مصور آن‌ها یافت می‌شود. لذا، با توجه به ویژگی‌های نگارگری در دو دوره صفویه و عثمانی، فرضیه این پژوهش را می‌توان چنین مطرح کرد که با وجود ارتباط فرهنگ‌ها و تغییرات سیاسی و اجتماعی رایج در هر دو دوره، می‌توان تأثیرات بارزی را در هنر نگارگری این دو منطقه مشاهده کرد. پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت از نوع تحلیل محتوای کیفی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این مطلب است که نقطه تفاوت این نگاره‌ها در شیوه و سبک و سیاق به تصویر کشیدن آن‌ها است. از سوی دیگر ویژگی‌های بصری شاخص در هر کدام از نگاره‌های صفوی و عثمانی که از فرهنگ و مذهب جامعه آن روزگار تأثیر پذیرفته، منعکس کننده وضعیت فرهنگی و مذهبی آن دوره است لذا دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی مختصات نگارگری دوره صفوی و عثمانی.
۲. تحلیل نگاره‌ها با مضامین مشابه در آثار نگارگری دوره صفوی و عثمانی.

### سؤالات پژوهش:

۱. در آثار نگارگری صفوی و عثمانی چه مضامین و داستان‌هایی مورد استفاده بوده است؟
  ۲. مضامین و داستان‌های مشترک به چه شیوه‌ای در آثار نگارگری صفوی و عثمانی به تصویر کشیده شده است؟
- واژگان کلیدی: نگارگری صفوی، نگارگری عثمانی، مضامین مذهبی، مضامین عرفانی و ادبی، مضامین تاریخی.

## مقدمه

تمدن‌ها و فرهنگ‌های موجود در جهان به شیوه‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط هستند و در این میان، تأثیراتی بر یکدیگر می‌گذارند. در قرون دهم و یازدهم هجری دو دولت قدرتمند در جهان اسلام در ایران و عثمانی قدرت را در اختیار داشتند. این دو منطقه در این مقطع زمانی، دوره‌ای از شکوفایی را از نظر اوضاع سیاسی و فرهنگی پشت سر گذاشتند. مجاورت این دو کشور در داد و ستد فرهنگی میان آن‌ها تأثیرگذار بود. حکومت عثمانی در سده پانزدهم و شانزدهم میلادی/نهم و دهم هجری ادامه دهنده میراث عظیم امپراتوری بیزانس (رم) و قدرتی مهم در جهان اسلام بوده است و به همین دلیل هنرمندان این کشور توانستند از فرهنگ و هنر سرزمین‌های اسلامی و مدیترانه از جمله ایران، بهره‌مند شوند. در این دوره تاریخی، هنرمندان ایرانی به دلایل مختلف وارد مرزهای عثمانی می‌شدند و علاوه بر نمایش توانایی و تجربیات خود، نمونه‌هایی از نسخ خطی را نیز به آن کشور منتقل می‌کردند. در عصر صفوی، ایران و عثمانی به دلیل اختلافات مذهبی و رقابت‌های سیاسی و همچنین، نفوذ اروپا، در روابط این دو کشور وضع تازه‌ای پدید آمد. از سوی دیگر، مبارزه با غارتگران و باج‌گیران و نیز صلح با پیشکش نمودن کالاهای هنری و اعزام هنرمندان، تأثیرات فرهنگی و هنری تنگاتنگی را پدید آورد. شاید دلیل عمده توجه عثمانی‌ها به هنر ایران این بوده که به عنوان یک جامعه مسلمان، برای ارتقاء هنر سرزمین خود با دیگر کشورهای اسلامی، لازم می‌دیدند که از هنر آن‌ها الگوبرداری کنند و به همین دلیل بود که در سده پانزدهم/نهم، سران حکومت بعد از هر پیروزی، صنعتگران برخی از کشورهای مغلوب مانند مصر و ایران را با خود به استانبول می‌بردند. این روند باعث گردید، نگارگری که در تبریز و آسیای میانه بسیار رایج بود، از اوایل سده پانزدهم/نهم به بعد وارد سرزمین عثمانی شود و با استقبال زیادی هم رو به رو شد. طی سال‌های ۱۴۷۷-۱۴۵۷/۸۸۵-۸۶۵ در هنرهای تزئینی عهد عثمانی نقطه عطفی پدید آمد. لذا با تأسیس اولین کارگاه‌های نگارگری استانبول در دوران حکمرانی سلطان بایزید دوم، کتاب‌آرایی و مصورسازی نسخ نیز آغاز گردید. این کارگاه‌ها با هدف ارتقای جایگاه فرهنگی و هنری دربار استانبول، به الگوبرداری از ایران که در زمینه فرهنگ و ادب و هنر آن روزگار پیشرو بود، پرداختند و نسخه‌برداری از متون ادبی ایران را سرمشق خود قرار دادند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی ارتباط نگارگری صفوی و عثمانی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «نگارگری عثمانی با رویکرد به دستاوردهای هنری ایران» توسط فرزانه فرخ نیا و همکاران به رشته تحریر در آمده است (۱۳۹۱). نگارندگان این پژوهش بر آنند که نه تنها نسخ مصور ایرانی موجود در توپقاپی سرای، به عنوان الگو در تولیدات نسخ مصور دربار استانبول استفاده می‌شده، بلکه فعالیت هنرمندان مهاجر ایرانی در کارگاه‌های توپقاپی سرای و نیز رهنمون‌های برخی صاحب نظران بر تولید آثار مکتب استانبول، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای از نگارگری ایران در عصر صفوی داشته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقاشان صفوی و انتقال هنر نگارگری ایرانی به عثمانی» به قلم، ولی دین

پرست (۱۳۹۰) به رشته تحریر در آمده است. نگارنده این اثر معتقد است مناسبات فرهنگی بین ایران و عثمانی سبب شده است تا نگارگری عثمانی تحت تأثیر سبک نگارگری ایرانی شکل بگیرد. علی رغم وجود این آثار پژوهشی تا کنون بررسی مفصلی در راستای تطبیق جزئیات نگارگری دو منطقه انجام نشده است لذا نگارنده بر آن است تا به بررسی کلیه نسخ مصور شده در کارگاه های هنری دو دربار صفوی و عثمانی بپردازد و نوع بکارگیری و شیوه پردازش موضوعات مختلف مذهبی، ادبی، عرفانی و تاریخی در این نگاره‌ها را مورد بررسی و تحلیل و مقایسه قرار دهد. به این ترتیب، در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای اطلاعات گردآوری شده است و منابع تحقیقاتی شامل نگاره‌های موجود در موزه‌ها و کتب تصویری و نوشتاری است. همچنین، اسناد مربوط به جامعه آماری نگاره‌های باقیمانده از سده‌های تاریخی صفوی و عثمانی است. تعداد نمونه مورد بررسی ۲۴ نگاره است. در این مطالعه، ابتدا به بررسی ویژگی‌های نگارگری صفوی و عثمانی پرداخته شده است، سپس، وجوه اشتراک و افتراق میان نگارگری این دو دوره مورد تحلیل قرار گرفته است.

## نتیجه‌گیری

هنرمندان دو سرزمین ایران و عثمانی (منطقه آناتولی) به جهت نزدیکی فرهنگ‌ها و مذهب جامعه خود، ارتباطی نزدیک و پیچیده با یکدیگر داشته‌اند. در دوره‌ها و زمان‌های به دلایل مهاجرت و یا تسخیر بخشی از مناطق ایران و عثمانی توسط یکدیگر، مجالی برای هنرمندان ایجاد شد تا دست آوردهای خود را در کنار دیگر هنرمندان و کارگاه‌های هنری دربار دیگری، در آثار خود بروز داده و نمونه‌هایی مشترک در عین حال به نقاط متمایز ویژه به وجود آورند. مضامین به کار رفته در کارگاه‌های هنری هر دو دربار با چگونگی حمایت، همراهی و علاقه سلاطین آن دربار ارتباطی مستقیم داشته و در برخی زمان‌ها، نسخی مصور و داستان‌هایی به تصویر کشیده شده‌اند که این جزء برجسته‌ترین آثار نگارگری هر دو دوره به شمار می‌آیند. مضامین به کار رفته در این آثار نیز تا حد بسیار نزدیک و مشترک بوده و از یکدیگر نیز تاثیر پذیرفته است؛ به ویژه نگارگری عثمانی که تأثیرات فراوانی از نگارگری ایرانی و شیوه تصویرپردازی هنرمندان ایرانی در آن قابل مشاهده می‌باشد. این مضامین شامل داستان‌های مذهبی چون داستان‌های پیامبران، به ویژه داستان‌هایی از زندگی حضرت محمد (ص)، مضامین ادبی چون داستان‌های حماسی و تا حدودی تاریخی در کتب ادبی، مضامین عرفانی چون داستان‌های از زندگی مولانا جلال‌الدین و دیگر عرفای صوفی و مضامین تاریخی چون داستان‌هایی از جنگ‌ها، سفرها و پذیرفتن سفرای دیگر سرزمین‌ها، می‌باشد. نقطه تفاوت این نگاره‌ها در چگونگی به تصویر کشیدن آن‌ها و ویژگی‌های بصری شاخص در آثار هر کدام از نگاره‌های صفوی و عثمانی که از نوع فرهنگ و مذهب جامعه آن روزگار تأثیر پذیرفته و منعکس شده است.

## منابع:

- آ. پولیاکووا، زی. رحیمووا. (۱۳۸۱). نقاشی و ادبیات ایرانی. ترجمه و تحقیق زهره فیضی، تهران: روزنه.
- آدامووا، ا.ت. (۱۳۸۶). نگاره های ایرانی، گنجینه ارمیتاژ. ترجمه زهره فیضی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی و فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب. (۱۳۷۹). «شکل گیری شیوه صفوی: تبریز، قزوین». مجموعه مقالات در سایه طوبی: همایش نخستین دوسالانه بین المللی نقاشان جهان اسلام، موزه هنرهای معاصر تهران.
- ابراهیمی ناغانی، حسین. (۱۳۸۲). تجلی انسان در نگارگری بهزاد. کتاب ماه هنر، شماره ۶۳ و ۶۴.
- بخت آور، الهه و شیرازی، علی اصغر. (۱۳۸۸). نحوه شکل گیری مکتبی عثمانی و بررسی ویژگی های آن. فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره، شماره ۱۰، صص ۳۱-۴۰.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان. (۱۳۸۳). هنر و معماری اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان. (۱۳۸۶). هنر و معماری اسلامی ۲، تهران: سمت.
- بینیون، لورنس، ویلکینسون، ج. و.س. و گری، بازیل. (۱۳۶۷). سیر تاریخ نقاشی ایرانی. ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۸). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. چ هشتم، تهران: زرین و سیمین.
- تفضلی، ابوالفضل. (۱۳۷۰). سماع درویشان در تربت مولانا، تهران: انتشارات تفضلی.
- تمیم داری، احمد. (۱۳۷۲). عرفان و ادب در عصر صفوی، تهران: انتشارات حکمت.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۸۱). دیوان حافظ. از نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران: جیحون.
- چارشی لی، اوزون و حقی، اسماعیل. (۱۳۶۸). تاریخ عثمانی. ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- دیماندر، موریس اسون. (۱۳۸۳). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبد الله فریار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایبسنون، ب.و. (۱۳۷۶). هنر نگارگری ایران. ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

- رجبی، محمد علی. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران، تهران: موزه هنرهای معاصر.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۷۹). تاریخ انبیاء. تهران: انتشارات اسلام.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری. تهران: سمت.
- سمسار، محمدحسن. (۱۳۷۹). کاخ گلستان. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- سوچک، پرسیلا. (۱۳۸۲). کمال الدین بهزاد. ترجمه مولود شادکام، کتاب ماه هنر، شماره ۶۳-۶۴.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۲). آثار زندگی در نگارگری بهزاد، کتاب ماه هنر، شماره ۶۳ و ۶۴.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۴). هنر شیعی. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۶). دیباچه ای بر هنر اسلامی- ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۶). جایگاه مضمونی و زیباشناسی شعر در نگاره های خمسه شاه طهماسبی. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، شماره ۷، ۲۵-۱۱.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۸). بررسی موضوعی نسخه ی خطی احسن الکبار: شاهکار نگارگری مذهبی دوره صفویه، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۸، ۳۵-۲۰.
- شمس تبریزی. محمد. (۱۳۷۵). مقالات شمس تبریزی. تصحیح و تعلیق محمد علی موجد، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی.
- شیخ ابوالسعید ابوالخیر. (۱۳۴۹). «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر». به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات کتاب فروشی فروغی.
- صداقت، معصومه. (۱۳۸۶). پیامبران اولوالعزم در نگاره های قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۷، پاییز و زمستان، ص ۲۰-۴۰.
- فدوی، محمد. (۱۳۸۶). تصویرسازی در عصر صفویه و قاجار. تهران: دانشگاه تهران.
- فرخ فر، فرزانه؛ خزائی، محمد و حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۱). نگارگری عثمانی با رویکرد به دستاوردهای هنری ایران (بررسی تطبیقی نگارگری عثمانی و نگارگری ایران نیمه نخست قرن دهم هجری)، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۰.

قمی، قاضی احمد. (۱۳۶۶). گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.

قزوینی ترکمان، اسکندر بیگ کاتب زین العابدین بن میرزا محمد شریف. (۱۳۳۴). تاریخ عالم آرای عباسی. تهران: امیرکبیر.

کین راس، پاتریک بالفور. (۱۳۷۳). قرون عثمانی: ظهور و سقوط امپراطوری عثمانی. تهران: کهکشان.

موزه مترو پولیتن. (۱۳۹۰). نگاره ورود شاهزاده صفوی حیدر میرزا را به همراه مقامات دیگر در سال ۱۱۵۹۰/۹۹۹، دسترسی در تاریخ ۸/۸/۹۸، <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/۴۵۰۵۸۷>

نیشابوری، ابواسحاق. (۱۳۸۲). قصص الانبیاء. به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نوشاهی، عارف. (۱۳۸۰). ثواقب المناقب اولیاءالله: ماخذی فراموش شده درباره مولانا و مولویه، نشریه معارف، دوره هجدهم، شماره ۲، ۶۰ - ۶۳.

وبگاه رایزنی فرهنگی و توریستی سفارت ترکیه در ایران، ۱۳۹۰/۷/۲۳، ۱۲:۳۰.

<http://www.gototurkey.ir/naghashisanatlaur.cgi>

هولود، رنات. (۱۳۸۵). اصفهان در مطالعات ایرانی. ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: فرهنگستان هنر.

Arnold, T. (2002). *Painting in Islam, A study of the place of pictorial art in Muslim Culture*. Gorgias Press.

Bağcı, S. (2000). From translated word to translated image: The illustrated Şehnâme-i Türkî copies. *Muqarnas Online*, 17(1), 162-176.

Çiçekoglu, F. (2003). Difference, visual narration, and "point of view" in my name is red. *Journal of Aesthetic Education*, 37(4), 124-137.

Farhad, M., & Bağcı, S. (2009). *Falnama: The Book of Omens*. Thames & Hudson.

Felmming, B. (1996). Turkish Religious Miniatures and Album Leaves, Dreaming of paradise, Islamic Art from. Collection of The Museum of Ethnology Rotterdam, Material & snoeck.

Inalcik, H., & Faroqhi, S. (1997). An economic and social history of the Ottoman Empire (Vol. 1). Cambridge University Press.

Grabar, O., & Natif, M. (2001). Two Safavid Paintings: An Essay in Interpretation. *Muqarnas*, 18, 173-202.

Mahir, B. (2009). Kitap Sanatları Araştırmaları. *Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi*, (14), 209-248.

Milstein, R. (1990). Miniature Painting in Ottoman Baghdad (No. 5). Mazda Pub.

Simpson, M. S. (1982). The Production and Patronage of the "Haft Aurang" by Jāmī in the Freer Gallery of Art. *Ars Orientalis*, 93-119.

Welch, A. (1973). *Shah Abbas & the arts of Isfahan*. New York Graphic Society Books.

Welch, S. C. (1976). *Persian painting: five royal Safavid manuscripts of the sixteenth century*. George Braziller.

Welch, S. (1970). "Royal Persian Manuscripts". London, Thames and Hudson Ltd, p. 10.

Wright, E. (2009). *Islam: Faith, Art, Culture: Manuscripts of the Chester Beatty Library*. Scala Books.

Yazici, T. (1992-2002). *Encyclopaedia Iranica*. Accessed February 10, 2007.

Yarshater, E. (1988). The development of Iranian literatures. *Persian literature*, 6.